

صفات برجسته جوانمردان در افسانه‌های مردم ایران

سید حسین صالحی قهفرخی^۱، اصغر رضاپوریان قهفرخی^۲*

doi:10.71630/parsadab.2025.1213798

چکیده

در این پژوهش، جوانمردی همان فضایل اخلاقی ارزشی مانند شجاعت، وفاداری، فداکاری، عدالت‌خواهی، بخشش، مهمان‌نوازی و مساعدت به ضعفا در نظر گرفته شده است. ریشه این مفهوم در سنت تاریخی ایران قرار دارد. گروه‌هایی مانند عیاران یا فتیان که در تاریخ به عنوان حاملان این ارزش‌ها شناخته شده‌اند، نقشی مهم در نشر و ترویج این اخلاق دارند. جوانمردان گروهی اخلاقی- تربیتی بوده که پیشینه حضور آنان به ایران پیش از اسلام می‌رسد. افسانه‌های عامیانه از جمله آثار ادبی است که حاوی مضامین اخلاقی بوده و هدفی تعلیمی را در ژرفای خود جای داده‌اند. در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی، «جوانمردی» افسانه‌های عامیانه ایرانی بررسی شده و نتایج حاکی از آن است که در برخی از افسانه‌های عامیانه ایرانی شخصیت‌هایی حضور دارند که ویژگی اخلاقی «جوانمردان» را دارا بوده و با شجاعت و وفاداری و فداکاری به ضعیفان یاری رسانده و به سبب بخشندگی و برپایی عدالت و مهمان‌نوازی می‌توان آنان را از جوانمردان و پیروان این آیین دانست. البته تمامی صفات در یک شخصیت دیده نمی‌شد و ممکن بود فقط یک یا چند صفت در قهرمان داستان دیده شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات عامیانه، افسانه، جوانمردی، شجاعت، وفاداری.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

ادبیات یکی از قدیمی‌ترین مظاهر فرهنگی بشر است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت قدمت آن با تاریخ تمدن بشری هم‌راستا است. ادبیات شامل تمام محصولات فکری و قلمی یک جامعه، خواه منظوم و خواه منثور است و بدین ترتیب عرصه‌ای است برای بازتاب و بازتولید ارزش‌ها، باورها، آرزوها و کنش‌های اخلاقی (پل سارتر، ۱۳۰۵: ۵۰۱). به‌طور کلی ادبیات دارای خصوصیتی چون متن‌وارگی، خلاقانه بودن، تخیلی بودن، فرم و اسلوب لذت‌بخش، عاطفه و اشتغال بر زیبایی و حقیقت است. البته لازم است اشاره شود که این ویژگی‌ها در تمامی آثار ادبی به‌صورت ثابت و پایدار متمرکز نیست، بلکه بنابر سبک و درون‌مایه و موضوع اثر از این مشخصه‌ها بهره می‌گیرند. «ادبیات عامیانه» یکی از اقسام ادبیات است که نشئت گرفته از زندگی، تاریخ و ارزش‌های معنوی عامه مردم می‌باشد. این نوع ادبیات حاصل اندیشه‌های قومی، ملی اقوام مختلف است که به‌صورت شفاهی و دهان‌به‌دهان از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود (قانونی و غلامحسینی، ۱۳۹۶). ادبیات عامیانه نیز انواع مختلفی را شامل می‌شود، همچون: ۱. ادبیات عامه‌روایی که شامل افسانه‌ها، اسطوره‌ها، لطیفه‌ها و شوخی‌هاست؛ ۲. ادبیات غیرروایی که مجموعه‌ای از چیستان‌ها، دیوارنگاره‌ها، گورنگاره‌ها را شامل می‌شود؛ ۳. ادبیات عامه‌منظوم شامل اشعاری که برای شادی، غم، سرگرمی، لالایی، نیایش و تغزل سروده شده است؛ ۴. ادبیات عامه‌نمایشی که نمایش‌های آیینی (مذهبی، ملی)، و ادبیات نمایشی غیرآیینی (تخت حوضی، معرکه‌گیری، نمایش‌های عروسکی) را شامل می‌شود؛ ۵. دسته دیگری که شامل ضرب‌المثل‌ها، کنایات، تیکه زبان‌ها را شامل می‌شود (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۱۲-۱۳). در واقع می‌توان گفت ادبیات عامیانه (فولکلور) از بطن زندگی مردم و از زبان توده مردم سرچشمه می‌گیرند و با زندگی انسان از تولد تا مرگ، در شادی و غم و حوادث گوناگونی که یک ملت یا توده‌ای از مردم تجربه کرده‌اند، ارتباط دارد و شامل «مراسم اعتقادات آداب و رسوم، افسانه‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها، ترانه‌ها و سروده‌ها...» می‌شود که از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافته است (همایونی، ۱۳۶۴: ۳).

نکته دیگری که در این خصوص می‌توان بیان کرد آنکه مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات عامیانه مجهول‌المؤلف بودن آن، زبان عامیانه و محتوای آن است که باورهای عامیانه و حتی وجود

خرافات و اعتقاد به سحر و جادو را در بر دارد. افسانه‌ها یکی از اقسام ادبیات عامیانه است که روایت‌کننده رویدادی خیالی از زندگی انسان‌ها، حیوانات و موجودات خیالی و... است که هدف آموزشی و اخلاقی را در بر دارند (قانونی و غلامحسینی، ۱۳۹۶). همان‌طور که اشاره شد، ادبیات عامیانه با باورهای عامه مردم و زندگی آن‌ها پیوندی ناگسستنی دارد و با بررسی آن می‌توان به ابعاد اجتماعی زندگی آدمی و افکار و عقاید و رفتار آنان دست یافت. «جوانمردان» از گروه‌هایی اجتماعی هستند که ویژگی‌های اخلاقی همچون بخشندگی، اخلاق نیکو و پسندیده، شجاعت و دلاوری داشته و برای گره‌گشایی از دیگران، برپایی عدالت و دستگیری از نیازمندان تلاش می‌کردند. ادبیات عامیانه نیز دربردارنده داستان‌هایی با این موضوعات و مضامین است. در این پژوهش به‌شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به‌دلیل پیشینه دیرینه «جوانمردان» در ایران، به بررسی این مفهوم با هدف دستیابی به شباهت‌ها و ارتباط جوانمردی با مفاهیمی همچون فتوت و عیاری و همچنین دستیابی به مهم‌ترین شاخصه‌ای که در افسانه‌های ایرانی در خصوص جوانمردی می‌توان مشاهده کرد، پرداخته می‌شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

- مجوزی و شاهگلی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین عیاری، جوانمردی و تعلیمی در رمان شمس و طغرا»، نشان دادند که مضامین عیاری و جوانمردی به‌خوبی در این کتاب انعکاس یافته است و این امر نشان از اهمیت این ویژگی‌های اخلاقی پسندیده و آمیختن آن با خصلت‌های دینی و اسلامی در جامعه ایرانی دارد. در این مطالعه، پژوهشگران به‌دنبال پاسخ این پرسش بودند که مضامین عیاری در این اثر چگونه بازتاب یافته است.

- زرینی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جوانمردی، عیاری و فتوت در قبل و بعد از اسلام»، ریشه‌های جوانمردی و فتوت و عیاری در ادیان و آیین‌های ایران باستان را بررسی نموده و اشاره‌ای به منبع مهم سمک عیار و فتوت‌نامه سلطانی کرده‌اند. در مطالعه حاضر مضامین جوانمردی در افسانه‌های مردم ایران مورد بررسی قرار گرفت. همچنین

- تفاوت‌های جوانمردی در افسانه‌های ایران زمین براساس زمان قبل از اسلام و بعد از اسلام بررسی شد.
- بخشی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی آموزه‌های فتوت و جوانمردی در کلیات سعدی، پژوهشگر مفهوم «فتوت و جوانمردی» را در کلیات سعدی بررسی نموده است. در بررسی حاضر علاوه بر مفهوم جوانمردی در افسانه‌های مردم ایران، ویژگی‌های جوانمردی براساس گروه‌های سنی نیز بررسی می‌شوند.
- صدقی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آیین جوانمردی در ادب فارسی و عربی»، پژوهشگران ویژگی اخلاقی جوانمردان را در ادب فارسی و عربی بررسی کرده‌اند.
- عروج‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ابوالحسن خرقانی و آیین جوانمردی»، به معرفی اجمالی از جوانمردی با توجه به طرز فکر خرقانی و گفتارهای منسوب به او پرداخته و آن را با گزارش برخی از منابع صوفیه همراه ساخته است. همچنین به برخورد خرقانی را با آداب صوفیان و تصوف نیز پرداخته است.
- رزاقی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه مدل صفات اخلاقی در آیین جوانمردی ایران»، جوانمردی را از نگاه تاریخی ایران بررسی کردند. جوانمردی مجموعه‌ای از صفات تلقی شد که در بستره نگاه‌شناسی به خداوند، نگاه‌شناسی به مردم و نگاه‌شناسی به خود بود.
- حسینی سرخنی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقد کتاب آیین جوانمردی اثر هانری کربن براساس مؤلفه‌های تفکر انتقادی»، آیین جوانمردی در کتاب آقای هانری کربن را که مجموعه‌ای است از تحلیل و بررسی هفت فتوت‌نامه که شامل آداب و رسوم مربوط به جوانمردی و تعالیم اخلاقی و حکمت عملی است، بررسی کردند. نتایج از میان مؤلفه‌های تفکر انتقادی، مهم‌ترین ویژگی استدلال‌های کربن و تعاریف او، وضوح، ارتباط و داشتن وسعت نظر است. آقای کربن قبل از ورود به بحث، ابتدا مفاهیم و واژه‌های کاربردی را تعریف می‌کند، سپس با بیان مقدمات، استدلال خود را می‌سازد و درنهایت بحث خود را با چند جمله کوتاه و واضح جمع‌بندی می‌کند.

- مدنی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای «تأثیر فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در نشر و گسترش آیین جوانمردی» را بررسی کرده است. نظریه متداول درباره فتوت و جوانمردی برگرفته از تصوف بوده و از آنجاکه تصوف نیز از علوم اسلامی استخراج شده است، پس جوانمردی می‌تواند منشأ اسلامی داشته باشد. ریشه‌های ایرانی آیین جوانمردی را می‌توان در فرهنگ و تمدنی جست که شالوده آن را سه بن‌مایه «خرد»، «نیکی» و «هنر» تشکیل داده است. نویسنده در این مقاله تلاش کرده است دیدگاه‌های متنوع و متناقض پژوهشگران درباره آیین جوانمردی و اختلاف در منشأ و مبانی و اصول آن را در ارتباط با سرچشمه‌های ایرانی این آیین و تأثیر احتمالی آن از فرهنگ و تمدن پیش از اسلام بررسی کند. بدین منظور، در سه بخش مستقل، تأثیرات ایران باستان، آیین زرتشتی و ادیان مهری و مانوی را بر طریق فتوت بررسی کرده و معتقد است که این تأثیرات، به‌معنای توافق و تطابق محض و یا اخذ و اقتباس تمام نیست. در مقاله پیش رو بخش‌های عدالت، دستگیری ضعیفان، وفای به عهد و... از مضامین جوانمردی در افسانه‌های مردم ایران مورد بحث قرار می‌گیرد.

وجه نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برخلاف مطالعات پیشین که مفهوم جوانمردی و عیاری را عمدتاً در متون کلاسیک، ادبیاتِ نخبگان، متون صوفیانه یا آثار پس از اسلام بررسی کرده‌اند، این پژوهش برای نخستین بار به‌شکلی منسجم به افسانه‌های عامیانه ایرانی می‌پردازد. علاوه بر این، هدف پژوهش بر آن است که نشان دهد شکل مردمی و عامیانه ادبیات نیز قابلیت دارد بازتاب‌دهنده ارزش‌های اخلاقی منسوب به جوانمردی باشد. بدین ترتیب این ارزش‌ها محدود به متون رسمی یا نهادهای اجتماعی خاص نبوده‌اند.

۲-۱. اهداف و روش پژوهش

از اهداف پژوهش می‌توان به شناسایی و تحلیل شاخص‌های اخلاقی منسوب به جوانمردی مانند وفای به عهد، عفو و بخشش، صبر و بردباری، مهمان‌نوازی، عدالت، دستگیری از ضعیفان، شجاعت و طمع نداشتن به مال دنیا در متون افسانه‌ای عامیانه ایرانی در مجموعه فرهنگ افسانه‌های مردم ایران اشاره کرد.

روش پژوهش در این مطالعه، روش توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای (شامل متون فولکلور، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، کتب تاریخی و ادبی مرتبط با جوانمردی) انجام شده است.

۲. چارچوب نظری

جوانمردی از مهم‌ترین جریان‌هایی است که ریشه بسیار دیرینه‌ای در باورهای مذهبی و فرهنگی و منش اخلاقی ایرانیان دارد. لفظ «جوانمردی» از صفات پسندیده آدمی، مانند درست‌قولی، راست‌گویی و پاک‌نظری است و درحقیقت مجموعه‌ای از اخلاقیات پسندیده را شامل می‌شود. «فتوت یا جوانمردی به صورت یک اصطلاح دینی و صوفیانه اجتماعی عنوان مسلکی خاص است که پس از تصوف، بیش از هر طریقه‌ای در کشورهای اسلامی رواج داشته است. این مسلک جنبه اخلاقی دین مبین اسلام را نمایان‌تر کرد و تصوف اسلامی را فعال‌تر و غنی‌تر ساخت و از جنبه اجتماعی نیز وسیله‌ای برای کمک به درماندگان و موجب استیصال ستمگران گشت» (ریاض، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶). در کنار واژه «جوانمردی» مفاهیمی چون «فتوت» و «عیاری» قرار دارد که به ظاهر به مفهومی مشترک اشاره دارد اما تفاوت‌هایی نیز میانشان وجود دارد که لازم است به آن‌ها اشاره شود. واژه «فتی» از ریشه ثلاثی مجرد «فتو» به معنی «جوانی و شباب» آمده است (ابن منظور، ۱۲۰۵، ج ۱: ۱-۱۵). همچنین باید افزود کلمه «فتی» از ریشه «فتا» به معنای «جوانی» آمده و لفظ فتوت به معنای «بزرگواری و کرم» نیز هست (روانجو، ۱۴۰۳). در لسان العرب نیز به نقل از قتیبی آمده است که «فتا» به معنای جوان نیست، بلکه به معنای «مرد کامل»، «سخی» «کریم» و «خردمند» است (جوان‌آراسته، ۱۳۹۰: ۳۹). در بحار الانوار «فتوت» به معنای «سخاوت و کرم و مروت» آمده و در زبان فارسی «جوانمردی» معنی شده است (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۰). در متون عرفانی «فتوت با ریاضت، تهذیب نفس، جوانمردی و میراندن نفس قرین می‌باشد. همچنین باید افزود وفاداری، راستی، امانت‌داری و تواضع از شرایط فتوت می‌باشد» (جوان‌آراسته، ۱۳۹۰: ۴۲). دهخدا نیز درخصوص واژه «عیار» به معنایی چون «بسیار آموشدکننده»، «تندرو»، «دزد و سارق»، «جوانمرد» و «کسی که عمل او حيله‌بازی و مکاری است» اشاره کرده است (شهیدی، ۱۳۷۷: ذیل واژه). عیاران از کهن‌ترین گروه‌های جوانمردان ایران هستند که در کوه و بیابان مخفی می‌شدند و از ثروتمندان راهزنی

می‌کردند و به درماندگان و فقرا می‌بخشیدند (تنوخی، ۱۳۹۹: ۷۸۱-۷۸۶). در واقع می‌توان گفت دو واژه «فتوت» و «جوانمردی» معنای مشترکی دارند اما «عیاران» گروهی بودند که از طریق دزدی اموال ثروتمندان به فقرا و درماندگان کمک می‌کردند و همین امر سبب تمایز آنان از فتیان و جوانمردان است. به‌طور کلی ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان عبارت‌اند: ۱. جوانمرد آزاد باشد؛ ۲. بالغ باشد؛ ۳. عاقل باشد؛ ۴. علم داشته باشد؛ ۵. یتیم‌پرور باشد؛ ۶. خوش خلق باشد؛ ۷. امین باشد؛ ۸. صالح و نمازکننده باشد؛ ۹. غیر از خدا بر زبان نیاورد؛ ۱۰. حلیم باشد؛ ۱۱. پرحیا باشد؛ ۱۲. خوب‌منظر باشد؛ ۱۳. شجره نیک و معتبر داشته باشد (صراف، ۱۳۷۰: ۱۸۴).

همچنین در کتاب *آیین جوانمردی* به نقل از *فتوت‌نامه* شمس‌الدین آملی درخصوص ویژگی جوانمردان آمده است: افرادی که خواهان ورود به مسلک فتیان و جوانمردان هستند، باید استعداد و شرایطی را دارا باشند که عبارت‌اند از: مردی و مردانگی، بلوغ به جهت آنکه در این دوره عقل کامل می‌شود و صفات ملکی بالفعل می‌شوند، کمال دین، داشتن نیت خیر، مروت، بخشنده‌گی و تواضع، حیا و نجابت نفس (کربن، ۱۳۸۳: ۳۴).

۳. بحث و بررسی

در این مقاله مؤلفه «جوانمردی» در مجموعه فرهنگ *افسانه‌های مردم ایران* نوشته علی اشرف درویشیان و رضا خندان بررسی می‌شود. به‌طور کلی، ۱۹۸۷ افسانه در مجموعه ۱۹ جلدی *فرهنگ افسانه‌های مردم ایران*، با موضوعات متنوع به ترتیب الفبا گردآوری شده است. لازم به توضیح است که از محدودیت‌های بررسی حاضر این است که شخصیت‌های افسانه‌های عامیانه جمع‌آوری‌شده از این مجموعه، تمامی ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان را دارا نبوده و افسانه‌های منتخب روایت‌کننده داستان شخصیت‌هایی بوده که دارای چند ویژگی اخلاقی جوانمردان بوده و یا ویژگی نزدیک به جوانمردان را داشته‌اند. بنابراین در این پژوهش طبق خصوصیات اخلاقی «جوانمردان» افسانه‌های مرتبط در این اثر جمع‌آوری و با توجه به ویژگی اخلاقی شاخص قهرمان داستان دسته‌بندی و بررسی شدند. با وجود این ممکن است بسیاری از روایت‌های شفاهی، محلی و یا کمتر شناخته‌شده به‌دلیل گزینش توسط گردآورندگان این مجموعه اثر حذف شده باشند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که برای تقویت یافته‌ها در مطالعات آینده، داده‌های

میدانی مانند مصاحبه، ضبط فولکلور محلی، گستره منطقه‌ای به عنوان تکمیل جامعه آماری افزوده شود.

۳-۱. وفای به عهد

از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان «وفای به عهد» است. وفای به عهد اخلاق پسندیده‌ای است که در تمامی ادیان به آن سفارش شده است. در آیین زرتشت از «وفای به عهد» تحت عنوان «نیک‌پیمانی» نیز یاد می‌شود، و مقوله‌ای اصلی و مهم در آیین زرتشت است. اهمیت این مقوله به حدی است که بخش مهمی از پندنامه «مانسر سپندان» به وفای به عهد اختصاص داده شده است (عفیفی، ۱۳۹۹: ۳۴۱). همچنین در قرآن کریم نیز به «وفای به عهد» در آیه ۲۳ سوره احزاب توصیه شده است: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا». همچنین در خصوص اهمیت وفای به عهد در آیین جوانمردی نیز می‌توان به کتاب سمک عیار اشاره کرد. در این کتاب وفای به عهد، امانت‌داری و جان باختن در راه عقیده، از ویژگی‌های اخلاقی عیاری به شمار می‌رود (کربن، ۱۳۸۳: ۱۹۴). واعظ کاشفی سبزواری نیز در کتاب فتوت‌نامه سلطانی در خصوص ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان (فتیان) آورده است: «فتوت، به عهد ازل وفا کردن است و بر جاده دین قویم که صراط مستقیم عبارت از آن است ثابت قدم بودن به عهد روز میثاق و به عقد زمان الست وفا کردن، کار جوانمردان است و نقض عهد و شکستن پیمان نشانه نقصان ایمان» (واعظ کاشفی سبزواری ۱۳۵۰: ۱۴-۱۰). بنابراین می‌توان گفت از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان «وفای به عهد» است.

«ابراهیم» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۳) نام داستانی است که روایتگر آن مردی به نام «ابراهیم» است. ابراهیم پسر تاجری است که به بخشنده‌گی شهرت داشته و همیشه نیمی از دارایی خود را نذر امام علی (ع) کرده و به دیگران بخشیده است. ابراهیم نیز به شیوه پدر عمل می‌کند و روزی مرده‌ای می‌بیند که خرج کفن و دفن او را نداشتند، ابراهیم خرج کفن و دفن او را می‌دهد و به قصد تجارت به راه می‌افتد. مردی در میانه راه توصیه‌ای به ابراهیم می‌کند که به سبب آن ابراهیم می‌تواند به ثروتی بسیار دست یابد و با دختر پادشاه نیز ازدواج کند اما مرد از ابراهیم می‌خواهد عهد ببندد و هرچه به دست آورد، با او تقسیم کند. ابراهیم به توصیه

مرد عمل می‌کند و صاحب اموال بسیاری می‌شود و با دختر پادشاه نیز ازدواج می‌کند. ابراهیم تصمیم می‌گیرد به دیار خود بازگردد و در راه آن مرد را می‌بیند و نصف مالش را به او می‌بخشد. مرد از ابراهیم می‌پرسد همسرش را چگونه تقسیم می‌کند و ابراهیم می‌گوید از این پس می‌تواند همسر تو باشد، مرد که بخشنده‌گی و وفای به عهد او را می‌بیند تمام اموال و دختر را به خود ابراهیم بخشیده و غیب می‌شود. داستان «ابراهیم» ویژگی‌های یک افسانه را داراست. در این داستان با حوادثی همچون «نجات یافتن پادشاه از نابینایی به کمک مغز یک گربه سیاه» روبه‌رو هستیم که حادثه‌ای خارق‌العاده می‌باشد که وقوع آن درحقیقت محال است. همچنین داستان «ابراهیم» را می‌توان حاوی اعمال جوانمردی دانست. در این داستان پدر ابراهیم به نیت امام علی(ع) اموال خود را با دیگر مردم تقسیم می‌کند که نشان «بخشنده‌گی» اوست. ابراهیم نیز فردی بخشنده است زیرا بدهی مردی مرده را پرداخت می‌کند و حتی کمک می‌کند تا پادشاه سرزمینی که بینایی خود را از دست داده شفا یابد. از دیگر خصوصیت اخلاقی او، وفای به عهد است زیرا تصمیم می‌گیرد مال خود را مطابق قول خود تقسیم نماید. بنابراین ابراهیم در این داستان را می‌توان فردی جوانمرد دانست که ویژگی‌هایی همچون «بخشنده‌گی» و «وفای به عهد» را دارد.

«تاجر و کارگر» (همان، ج ۳: ۲۸) عنوان داستان دیگری است که شخصیت‌های آن ویژگی‌های جوانمردان را دارند. این داستان روایتگر زندگی پسر تاجری است که بدهی مرده‌ای را پرداخت می‌کند تا طلبکارانش به جنازه او بی‌احترامی نکنند. مرد مرده زنده می‌شود و با خود و خداوند عهد می‌بندد محبت تاجر را جبران نماید و به این ترتیب کاری می‌کند تا دختر پادشاهی که مدت‌ها صحبت نمی‌کرده زبان باز کند و پادشاه به پاداش این کار او اموال بسیاری به تاجر بخشیده و دختر را نیز به عقد او درمی‌آورد. داستان «تاجر و کارگر» نیز ویژگی‌های یک افسانه را داراست. این داستان ویژگی‌هایی چون «زنده شدن جنازه»، «درآوردن قلب از سینه» و «سخن گفتن قلب» است. همچنین دو شخصیت داستان دارای ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان هستند. «پسر تاجر» که فردی بخشنده است، بدون هیچ چشمداشتی بدهی فردی مرده را پرداخت می‌کند و «کارگر» به عهد خود وفا می‌کند و برای جبران نیکی پسر تاجر تلاش می‌کند.

«جوان و دختر وزیر یا نتیجه جوانمردی» (همان، ج ۳: ۲۵۸)، عنوان داستان دیگری است که شخصیت‌های آن ویژگی جوانمردان را دارا هستند. این داستان روایتگر زندگی پسری ناخلف است که عاشق دختر پادشاه می‌شود و با او عهده می‌بندد و بر آن وفادار باقی می‌ماند و حتی با وجود آنکه دختر خود را به او تقدیم می‌کند، راضی به آسیب رساندن به دختر نمی‌شود. همچنین دوستان عباس یاریگر او بوده و حتی به‌خاطر او خود را به خطر می‌اندازند و پادشاه که شاهد جوانمردی آنان بوده، تصمیم می‌گیرد دخترش را به عقد او درآورد. شاهد مثال جوانمردی در این داستان، عهد و پیمانی است که میان عباس و چهل دوست او وجود دارد. هرچند در ابتدای داستان می‌خوانیم عباس پسری سربه‌راه نیست و به همین دلیل مورد سرزنش خانواده قرار می‌گیرد و ازسوی آنان طرد می‌شود اما در طول داستان شاهد هستیم که عباس عهد می‌بندد چهل شب به دیدار دختر پادشاه رفته و با وجود آنکه به دردر می‌افتد، به ضمانت دوستش آزاد می‌شود، اما این باعث نمی‌شود عهد و پیمان خود را با دختر پادشاه از یاد ببرد. همچنین عباس حاضر نمی‌شود به قیمت خوش‌گذرانی خود، دختر پادشاه را بدبخت نماید و پای عشق او می‌ماند. در ادامه نیز شاهد «فداکاری» و «وفای به عهده و پیمان دوستی» دوستان عباس هستیم. بنابراین مهم‌ترین ویژگی اخلاقی شخصیت‌های داستان «وفای به عهد» است؛ البته «فداکاری»، «جان‌فشانی» و «عدم سوءاستفاده» از دیگر ویژگی‌های اخلاقی است که شخصیت‌های این داستان به آن پایبند هستند.

«قصه سه نارنج» (همان، ج ۱۰: ۳۱۷) در این داستان نیز شاهد هستیم که پسر کوچک مردی تاجر به عهد خود با پدرش وفادار می‌ماند و تنها اوست که به توصیه پدر عمل می‌کند و بعد از مرگ پدر به مدت سه شب در قبرستان می‌ماند و سه سوار بر اسب را می‌کشد. اسب‌ها به او سه تار مو می‌دهند تا در مواقعی که به کمک نیاز دارد آن‌ها را آتش بزند و اسب‌ها به کمک او بیایند. پسر از این فرصت استفاده می‌کند و موفق می‌شود کاری انجام دهد تا بتواند خود و دو برادرش با دختران پادشاه ازدواج کنند اما برادران به او حسادت می‌کنند و او را به چاه می‌اندازند تا بتوانند به همسر و اموال او دست یابند. اما پادشاه پسر را از دور چاه نجات می‌دهد و دو برادر را می‌کشد و سلطنت را به پسر واگذار می‌کند. در داستان «سه نارنج» قهرمان داستان «پسر کوچک تاجر» است که به «وصیت و عهده‌ای که با پدر می‌بندد وفادار می‌ماند» و

هنگامی که می‌تواند شرط پادشاه برای ازدواج با دخترانش را انجام دهد، برادران را نیز فراموش نمی‌کند و ترتیبی می‌دهد تا برادران بزرگش نیز با دختران پادشاه ازدواج کنند. شخصیت پسر کوچک شخصیتی «شجاع و دلاور» است زیرا می‌تواند سه سواری را که در قبرستان ظاهر می‌شوند بکشد و همچنین شخصیتی «بخشنده» دارد زیرا به هنگامی که به نعمتی می‌رسد، برادرانش را که در حق او کوتاهی کرده‌اند، فراموش نمی‌کند. شخصیت دیگر که «عدالت» را برپا می‌کند پادشاه است، که هنگامی که متوجه می‌شود دو برادر به برادر کوچک خود خیانت و حسادت کرده‌اند، آن‌ها را به سزای عمل خویش می‌رساند.

از دیگر افسانه‌هایی که قهرمان آن بر عهد خود پایدار است، می‌توان به داستان «آقا حسنک» (همان، ج ۱: ۱۰۲) اشاره کرد که در ابتدا فردی دردرساز است که به دیگران آزار می‌رساند اما بعد از آنکه از خانواده و شهر طرد می‌شود، عهد می‌بندد دیگر آزاری به کسی نرساند و حتی در میانه راهش دختری را از چنگ دیوی نجات می‌دهد.

همچنین می‌توان به داستان‌هایی همچون «شاهپور شاه که درد احمدشاه را دوا کرد» (همان، ج ۴: ۴۲)، «تُل» (همان، ج ۴: ۱۱۱)، «شاهزاده خانم چینی» (همان، ج ۴: ۱۶۴)، «صد سکه طلا» (همان، ج ۹: ۱۷). «بزرگمهر» (همان، ج ۱: ۳۶۵) و «حسن پهلوان» (همان، ج ۴: ۷۳) اشاره کرد که قهرمان آنان افرادی «وفادار به عهد و پیمان خود»، «فداکار»، «دلیر و شجاع» بوده و از دیگر ویژگی آنان «کمک‌رسانی و دستگیری از دیگران» است.

۲-۳. عفو و بخشش

عفو و بخشش از دیگر صفات اخلاقی جوانمردان است؛ همچنان که در کتاب *آیین جوانمردی* از شهاب‌الدین سهروردی نقل شده است: «جوانمرد آن باشد که اگر همه عالم او را برنجانند، او نرنجد و نرنجانند. به رنجیدن هیچ‌کس رضا ندهد، نه به ظاهر و نه به باطن و به خدا حواله نکند و به جای انتقام عفو کند که شرط فتوت آن است» (کربن، ۱۳۸۳: ۴۶).

قهرمان افسانه «پاداش» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۱) امیری است که از طریق خادم خود متوجه می‌شود همسرش چهل مرد زیارو را به بند کشیده و به این ترتیب به او خیانت می‌کند، امیر با اعتماد به خادم به صورت مخفیانه وارد محفل همسرش می‌شود و او را

رسوا می‌سازد اما بعد از آنکه متوجه می‌شود زن چگونه آن چهل مرد را به اسارت درآورده، آنان را آزاد می‌کند و زن را به سزای اعمالش می‌رساند.

در این داستان شاهدیم که زن چهل مرد را فریب می‌دهد و آنان را در سردابی اسیر می‌کند و هنگامی که امیر از ماجرا باخبر می‌شود، زن را به «دم اسب ابر باد» می‌بندد، و این مورد را می‌توان از ویژگی‌های افسانه دانست. از مؤلفه‌های جوانمردی در این داستان می‌توان به «بخشندگی» و «عفو» و «انصاف» اشاره داشت، زیرا امیر بعد از آنکه متوجه بی‌گناهی چهل مرد شد و دانست که آنان توسط زن به طرز عجیبی بیهوش شده و در سرداب اسیر شده‌اند و به‌دیگر سخن از آنان سوءاستفاده شده، آنان را بخشید و آزاد کرد و با عدالت و انصاف در این خصوص عمل کرد. همچنین می‌توان به «وفاداری» خادم نیز اشاره کرد، زیرا خادم بعد از آنکه متوجه سادگی امیر و سوءاستفاده همسرش از او می‌شود موضوع را با امیر در میان می‌گذارد و به‌این‌ترتیب زن را که با تظاهر به دین‌داری و وفاداری امیر را فریب می‌داد، آگاه می‌سازد.

«حاج عباس و زن خرابه‌نشین» (همان، ج ۴: ۴۵). روزی مردی بود به نام حاج عباس که قصد داشت به‌زودی به مکه برود. در همان شب‌ها زنی را دید که مرغ مرده به یتیم‌هایش می‌دهد و بسیار آبرومند است. او که این صحنه را دید هزینه سفرش را به زن داد و او حاج عباس را دعا کرد و وقتی که همراهانش دنبال او آمدند، گفت که مشکلی پیش آمده و به مکه نمی‌آید اما همسفرانش در سفر او را جلوتر از خود و حتی در خانه خدا دیدند و تعجب کردند وقتی که بازگشتند ابتدا به خانه او رفتند و ماجرا را تعریف کردند و حاج عباس نیز داستان زن بیوه را بیان کرد و همراهانش متوجه شدند که او ثواب اصلی را برده است و حاجی واقعی است. قهرمان داستان «حاج عباس و زن خرابه‌نشین» جوانمردی است که قصد رفتن به حج را دارد اما وقتی زنی را می‌بیند که فقیر است، پول سفر را به او می‌بخشد، در واقع این شخصیت دارای خصلت «مهربانی» و «عفو و بخشش» است.

«حاجی راست و درست» (همان، ج ۴: ۵۲) نیز داستان دیگری است که قهرمان آن گوسفندی را قربانی می‌کند و به‌این‌ترتیب جلوی زنی باردار را که قصد خوردن گوشت سگ دارد می‌گیرد و این نشان‌دهنده «بخشندگی» و «مهربانی» چوپان است.

۳-۳. صبر و بردباری

صبر و بردباری نزد ادیان و مذاهب مختلف خصلتی نیکو و پسندیده است. در واقع می‌توان گفت از ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان صبر و بردباری است. منظور از صبر، تحمل سختی‌ها و تلخی‌ها و شکایت نکردن از آن‌هاست (قشیری، ۱۳۷۹: ۳۳۸). به بیان دیگر، صبر و بردباری را می‌توان «ترک شکایات از سختی نزد غیر خدا دانست، و صابر کسی است که خود را چنان با بلا قرین کرده باشد که از آمدن بلا باک نداشته باشد» (سجادی، ۱۴۰۱: ۵۲۱).

«عقیده» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۲۶۵) روایتگر پابندی شاهزاده‌ای بر عقیده خویش است. در این داستان، دختر پادشاه بر این عقیده است که دین‌داری باعث نعمت و رسیدن به شکوه است اما پدرش با او موافق نیست و او را مجبور می‌سازد با فردی معلول در روستایی دورافتاده ازدواج کند. دختر با توکل بر خدا و تحمل و صبر بر مشکلات عقیده خود را ثابت می‌کند. افسانه «عقیده» نیز حوادثی خارق‌العاده همچون «تبدیل شدن مرد معلول به مرد زیبا و سالم»، «ظهور پیرزنی در چاه» و «یاقوت‌هایی در دل انار» است که از ویژگی‌هایی است که در افسانه‌ها دیده می‌شوند. شخصیت قهرمان داستان «عقیده» که دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های جوانمردی است، دختر پادشاه است که با صبر و بردباری و تحمل مشکلات و توکل به خداوند و خواندن قرآن، به عقیده خود پایبند می‌ماند. از سوی دیگر جوان معلول را نیز می‌توان دارای خصلت جوانمردی دانست زیرا این جوان نیز با صبر و بردباری و عمل به نصایح همسرش و سخن‌فروشان و عمل نیک، بر مشکلات غلبه می‌کند و به جاه و جلال می‌رسد. شخصیت دیگری که دارای خصلت جوانمردی در این داستان است، صاحبکار است که هنگامی که توانایی و پاک‌دستی مرد را می‌بیند تصمیم می‌گیرد راه و رسم تجارت را به او بیاموزد و در آخر اموال خود را به او می‌بخشد.

«پادشاه و سه دخترش» (همان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۳) نیز از دیگر داستان‌هایی است که قهرمان آن با صبر و بردباری بر دشواری زندگی پیروز می‌شود و به مراد خود می‌رسد. در این داستان با عناصری چون «طلسم» و «پریزاد» روبه‌رو هستیم که از ویژگی‌های جدانشدنی افسانه‌هاست. همچنین می‌توان به داستان «پسر دهاتی که به مقام پادشاهی رسید» اشاره کرد؛ داستان پسری که اگرچه به‌مانند دیگر شخصیت‌های افسانه‌ها اعمال قهرمانی انجام نمی‌دهد، دارای صفاتی

«صبر و بردباری» و «زیرکی» است که سبب می‌شود به خوشبختی برسد و جانشین پادشاه شود.

۳-۴. مهمان‌نوازی

از خصلت‌های نیک و پسندیده انسانی، مهمان‌نوازی است. در میان ایرانیان از دیرباز مهمان‌نوازی و غریب‌نوازی و یاری‌رسانی به کاروانیان و مسافران، از اعمال پسندیده به حساب می‌آید. خصلت مهمان‌نوازی از جمله صفاتی است که در ادیان، آیین‌های باستانی، آیین درویشی و در فتوت‌نامه‌ها امری پسندیده است و از آن با عنوان «یارستان یا یارسان یا آیین یاری» یاد شده و از جمله عقاید آنان «اول و آخر یار» است (کزازی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). بنابراین می‌توان گفت کمک به دیگران از جمله خصلت‌های جوانمردان است. همچنین این مقوله در میان ایرانیان و اعراب از خصلت‌های شخص جوانمرد و فطین به حساب می‌آید. اعراب بادیه‌نشین، مهمان‌نوازی، سخاوت و شجاعت را از فضایل کسی می‌دانستند که به منتهای انسانیت و غایت معرفت رسیده باشد (اربابی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). محبت و مهربانی نیز از اصول مهم جوانمردی است. عمر بن عثمان الملکی در این باره می‌گوید: «جوانمردی خلق نیکوست» (قشیری، ۱۳۷۹: ۴۰۶). در این زمینه نیز واعظ کاشفی سبزواری از ابو عبدالله بن احمد معزی نقل می‌کند: «فتوت نیکویی خلق است با کسی که بدو بغض داری و رفتار نیکوست با کسی که دل تو از او می‌رمد» (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۱).

داستان «توپوز قلی خان» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۵۰۵-۵۰۸)، حکایت پینه‌دوزی است که هر شب دوستانش را به مهمانی و خوش‌گذرانی دعوت می‌کند. شاه‌عباس با لباس مبدل به خانه او وارد می‌شود و هر شب متوجه می‌شود توپوز قلی خان هر کاری انجام می‌دهد تا هر شب بتواند از دوستانش به‌خوبی پذیرایی کند. پادشاه سعی می‌کند جلوی کار و کسب درآمد او را بگیرد اما توپوز قلی از کار دست نمی‌کشد و هر شب مجلس بزم را گرم اجرا می‌کند. قهرمان داستان «توپوز قلی» مرد پینه‌دوزی است که بدون هیچ چشمداشتی به رسم جوانمردان از دوستان خود پذیرایی می‌کند و کل روز را تلاش می‌نماید تا بساط خوش‌گذرانی دوستانش را فراهم نماید. در واقع توپوز قلی شخصی «مهمان‌نواز» و «بخشنده» است که برای شاد کردن دیگران، در روز کار می‌کند تا بتواند برای دوستانش غذا و نوشیدنی فراهم آورد.

«آخرین شتر میرحمید» (همان، ج ۱: ۵۹) داستان مردی مهمان‌نواز و دست‌ودل‌باز به نام «میرحمید» است. میرحمید از مردان ثروتمندی بوده که به‌علت مهمان‌نوازی و دست‌ودل‌بازی بسیار فقیر شده و فقط یک شتر برای او باقی مانده است که آن را برای پادشاه قربانی می‌کند و به توصیه مهمان که پادشاه با لباسی مبدل بوده به مسجد شهر می‌رود تا شتر را پس بگیرد اما پادشاه را در حال نماز می‌بیند. بنابراین برای خود دعا می‌کند و در میانه راه به اتاقی پر از جواهر می‌رسد و به این ترتیب دوباره ثروتمند می‌شود، به‌صورتی که وزیر احساس خطر می‌کند و تصمیم می‌گیرد پادشاه را مجاب کند تا میرحمید را از بین ببرد، اما میرحمید با زیرکی پادشاه را متوجه اشتباهش می‌کند و به این ترتیب پادشاه وزیر را مجازات می‌کند و میرحمید را به عنوان وزیر خود منصوب می‌گرداند. میرحمید، قهرمان این داستان، شخصی دست‌ودل‌باز و مهمان‌نواز است که پادشاه مهمان‌نوازی خود را از خداوند می‌گیرد.

«پسر چوپان پاک» (همان، ج ۲: ۱۵) نیز از داستان‌هایی است که شخصیت آن به مهمان‌نوازی شهرت دارد.

«پرندۀ سبز» (همان، ج ۲: ۸۵)؛ از مهم‌ترین معیارهای جوانمردی افسانه «پرندۀ سبز» مهمان‌نوازی پدر و وفاداری خواهر است. خواهر با وجود دیدن چنین صحنۀ دل‌خراشی تمام استخوان‌های برادرش را جمع می‌کند و هنگامی که متوجه می‌شود پسرک همان پرندۀ سبز است، با کمک اتو از نامادری و پدرش انتقام می‌گیرد.

«تات محمد» (همان، ج ۳: ۱۵) نیز از دیگر داستان‌هایی است که قهرمان آن صفات جوانمردی را داراست. مؤلفه‌های جوانمردی در این داستان را می‌توان «مهمان‌نوازی»، «بخشنده‌گی»، «ظالم و طمع کار را به سزای عمل رساندن» و «گرفتن حق» محسوب نمود.

۳-۵. عدالت

عدالت نیز از دیگر ویژگی‌های جوانمردان است. منظور از عدالت عبارت است از: «بازداشتن خود از ستم به مردمان و دفع ظلم دیگران به قدر امکان از ایشان و نگاه داشتن هرکسی را بر حق خود» (نراقی، ۱۴۰۰: ۴۳۱).

«قاضی و همسر بازرگان» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۱۵) داستان داوری میان قاضی و بازرگان، توسط سلطان محمود است. در این داستان، سلطان محمود در ابتدا در داوری خود دچار اشتباه می‌شود اما در گشت شبانه‌اش از طریق نگریستن به بازی کودکان متوجه می‌شود بازرگان او را فریب داده، بنابراین به کمک همان کودک دادگاهی دوباره اجرا می‌کند و حق را به صاحبش که قاضی است می‌رساند. قهرمان داستان «قاضی و همسر بازرگان» را می‌توان سلطان محمود به حساب آورد که متوجه اشتباه خود در خصوص قضاوت شده و بار دیگر دادگاه را برپا کرده و این بار با یاریگری و هوش و ذکاوت کودکی به عدالت قضاوت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت شخصیت سلطان محمود شخصیتی «عادل» و «فروتن» بوده که این دو صفت اخلاقی از ویژگی‌های جوانمردان است.

«قنبر خوش‌شانس» (همان، ج ۱۰: ۴۵۶)، حکایت جوانی به نام قنبر است که اژدهایی را می‌کشد و با فروش مرواریدهای موجود، در دم او به مال و ثروتی دست می‌یابد اما پادشاه آنان را مصادره می‌کند و شرط‌های عجیبی برای بازگرداندن اموال برای قنبر تعیین می‌کند. قنبر با یاری‌رسانی موجوداتی مثل کبوتر و دیو، اژدها و شیر موفق به انجام آن‌ها می‌شود و در آخر با کمک دختری که پادشاه از او درخواست کرده بود موفق می‌شود پادشاه ظالم را از سر راه بردارد. داستان حاضر ویژگی‌های بسیاری را که در افسانه‌ها دیده می‌شوند داراست؛ از جمله «کشتن اژدها»، «وجود مروارید در دم اژدها»، «صحبت کردن پرندگان»، «ماهی طلایی»، «وجود غول و دیو و اژدها» و «ورود به دنیای مردگان». در این داستان قهرمان جوانمرد شخصی به نام «قنبر» است که بدون هیچ چشمداشتی به «غول و دیو و اژدها» کمک می‌کند و آن‌ها را از عذاب نجات می‌دهد. همچنین دختر زیبای پادشاه دارای ویژگی اخلاقی چون «برپایی عدالت و نجات مردم از ظلم و ستم پادشاه» است. در واقع در این داستان دختر پادشاه هنگامی که متوجه می‌شود پادشاه اموال قنبر را مصادره کرده و با بهانه‌های مختلف او را آزار می‌دهد، تصمیم می‌گیرد با او به مانند خودش رفتار کند و در آخر به همین روش او را از میان بردارد. بنابراین می‌توان گفت شخصیت‌های این داستان خصایصی چون «کمک به دیگران» و «برپایی عدالت» را دارند.

«داوری حکیم» (همان، ج ۵: ۷۳)، روزی مردی سه پسر داشت و در بستر مرگ بود و همان‌طور که داشت وصیت می‌کرد مرد و مشخص نشد که اموالش به کدام یک می‌رسد. آن‌ها پس از دعوا با تصمیم پسر سوم نزد حکیم رفتند تا او مشخص کند. در راه مردی را دیدند که پس از تلاش فراوان برای جمع کردن هیزم، در آخر آن قدر بارش زیاد شد که همه را گذاشت و تنها طنابش را برداشت. در ادامه به شهر رسیدند و در قصابی گوشت سالمی را دیدند که مشتری نداشت اما گوشت فاسد بسیار مشتری داشت، آن‌ها تعجب کردند و تصمیم گرفتند از حکیم این دو مورد را هم بپرسند. حکیم پسران را نزد برادر حکیم‌تر خود فرستاد و او گفت هیزم نشانه اموال ما و گوشت فاسد زن و مرد فاسد هستند و مرد حکیم به سه پسر گفت جسد پدرشان را از قبر خارج کنند و آن را با شمشیر نصف کنند هر کدام دقیق‌تر انجام دهد اموال مال اوست. پسر اول و دوم برای برداشتن شمشیر پریدند اما پسر سوم با تعجب در جای خودش خشکش زده بود. ناگهان حکیم گفت که منظور پدرتان پسر سوم است و مال و اموال به او می‌رسد. در این داستان حکیم میان سه برادر که در تقسیم ارث به مشکل خورده‌اند به عدالت و با دلیل و علت به داوری می‌پردازد و می‌توان گفت حکیم با حل مشکل این سه جوان، عدل و عدالت را میان آنان برپا می‌نماید.

۳-۶. دستگیری از ضعیفان

کمک و یاری درماندگان و دستگیری از ضعیفان از جمله کارهای نیک و پسندیده جوانمردان است. به این خصیصه نیز در کتاب *آیین جوانمردی* اشاره شده است و آن را از اصول اخلاقی این آیین و ویژگی رفتاری عیاران نیز برشمرده‌اند (کرین، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

«شاه اسماعیل و عرب زنگی» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۶۳)، روایتگر داستان شاه اسماعیل پسر اصلان پاشاست. شاه اسماعیل در ابتدا با «گل عذار» ازدواج می‌کند اما به یک‌باره گل عذار ناپدید می‌شود و شاه اسماعیل در جست‌وجوی او به راه می‌افتد و در میانه راه به دختری به نام «گلپری» و یک زن عرب برخورد می‌کند و به کمک آن‌ها می‌تواند گل عذار را پیدا کند اما پدرش اصلان‌شاه به او خیانت می‌کند و زن عرب موفق می‌شود خیانت او را برای همگان برملا کند. به این ترتیب اسماعیل و عرب زنگی و گل‌پری و گل عذار به یکدیگر به زندگی ادامه می‌دهند. در داستان «اسماعیل و عرب زنگی» نیز مؤلفه‌هایی چون «شمشیر کشیدن

اسماعیل و از بین بردن حصار آهنی»، «قصری که از سر و بدن انسان ساخته شده»، «بیناشده به وسیله کشیدن پر به چشم‌ها» وجود دارد که گواه آن است که این داستان یک افسانه است. همچنین وجود باورهای عامیانه همچون استفاده از رمل در پیشگویی مسائل و دستیابی به حقایق، شهادی برای عامیانه بودن داستان «اسماعیل و عرب زنگی» است. عواملی چون «وفاداری اسماعیل به گل‌عذار»، «کمک کردن اسماعیل به برادران گل‌پری»، «نجات گل‌عذار»، «نجات پیرمرد از کشته شدن در جنگ»، «نکشتن پدرش» را می‌توان نشانه‌های جوانمردی اسماعیل دانست. در واقع در این داستان اسماعیل با سلحشوری و اعمال پهلوانی به برادران گل‌پری کمک می‌کند و برای به دست آوردن عشق خود «گل‌عذار» می‌جنگد و با وجود آنکه پدرش به او خیانت می‌کند راضی نمی‌شود او را بکشد و این کار توسط عرب زنگی انجام می‌شود. همچنین در این داستان نیز شاهد وفاداری زنان هستیم، عرب زنگی به همراه اسماعیل برای یافتن گل‌عذار به راه می‌افتد و هنگامی که متوجه خیانت پدر اسماعیل می‌شود، با او به مقابله می‌پردازد و او را از بین می‌برد.

«جهان‌تیغ» (همان، ج ۳: ۲۹۸)، از دیگر داستان‌هایی است که حاوی مضامین جوانمردی است. این داستان روایت‌کننده داستان بچه‌دار شدن پادشاهی با دعا و کمک درویشی است. پادشاه با درویش عهد می‌بندد که مطابق درخواست او اجازه دهد تا در ۲۲ سالگی جهان‌تیغ را راهی سفر کند. جهان‌تیغ در میانه راه با یک «دریارو» آشنا می‌شود، سپس به فردی به نام «ستاره‌شمار» این سه دوست با یکدیگر پیمان برادری بسته و به کمک افرادی می‌روند که شهر آنان با وجود اژدها و دیو به مشکل خورده است. افسانه «جهان‌تیغ» را می‌توان نمونه کاملی در خصوص افسانه‌های جوانمردی دانست. در این افسانه، جهان‌تیغ، دیارو و ستاره‌شمار با یکدیگر عهد برادری بسته و هریک به نوبه‌ای با اعمال پهلوانی و شجاعت به دیگران کمک کرده و گره از مشکلات دیگران باز می‌کنند. از دیگر نشانه‌های جوانمردی این سه برادر نداشتن توقع دریافت پاداش است. همچنین «احترام به بزرگ‌تر» از دیگر ویژگی آنان است زیرا هرگاه این سه برادر می‌خواهند پاداشی را دریافت نمایند، در ابتدا برادر بزرگ‌تر را در اولویت قرار می‌دهند. بنابراین افسانه جوانمردی را می‌توان داستان جوانمردانی به نام «جهان‌تیغ»، «دریارو» و «ستاره‌شمار» دانست که دارای ویژگی‌های اخلاقی چون «شجاعت»، «پهلوانی»، «کمک به

ضعیفان»، «تواضع و نداشتن توقع پاداش» و «احترام به برادر بزرگ‌تر» هستند. در داستان «جهان‌تیغ» عوامل بسیاری وجود دارد که شاهد مثال مناسبی برای افسانه است. «زنده شدن نوزاد با فروبردن تیغ در پهلوی»، «راه رفتن بر روی آب که از توانایی‌های دریارو است»، «باخبر شدن ستاره‌شمار از به دردسر افتادن افراد از طریق شمردن ستاره‌ها»، «اژدهایی که آب را بسته و باج می‌گیرد»، «رام شدن شیر به مانند یک گربه»، «سبز شدن فوری گندم»، «وجود دختر چهل‌گیس» و «رسیدن موهای دختر به درختان خشک و سبز شدن آن‌ها» از عواملی است که با تکیه بر آن می‌توان ثابت کرد داستان «جهان‌تیغ» یک افسانه به حساب می‌آید.

«عزیزدانه» (همان، ج ۹: ۱۸۸)، داستان پسری دلیر و شجاع است که مردم چند شهر و دیار را از شهر آزار و اذیت دیوها نجات می‌دهد. عزیزدانه دیوی را که میوه‌ها را می‌خورد و دیوی را که جوجه‌های سیمرغ را می‌خورد و دیو سوم را که از مردم هر روز یک قربانی درخواست می‌کرد، از بین می‌برد و موفق می‌شود با دختر پادشاهی ازدواج کند و پادشاه را از بیماری نجات دهد و به این ترتیب با هدایا و اموالی نزد پدر بازگردد. داستان «عزیزدانه» عناصری چون «وجود دیو»، «وجود سیمرغ» دارد که از ویژگی‌های موجود در افسانه‌هاست. قهرمان جوانمرد این داستان شخصیتی به نام «عزیزدانه» بوده که پسر سوم پیرمرد است و شخصیتی «دلیر» و «شجاع» دارد که به یاری مردمانی می‌شتابد که از شر دیو در امان نیستند. بنابراین ویژگی‌های این شخصیت «دلآوری»، «شجاعت» و «کمک به ضعیفان» است.

«حاتم طایی» (همان، ج ۴: ۲۲)؛ روزی حاتم طایی از بیابانی می‌گذشت که جوانی را دید که در خاک می‌غلطد و ناله می‌کند، علت را پرسید جوان گفت: عاشق دختری شدم که خاطرخواه زیاد دارد و از همه خواستگاران‌ش سؤال می‌پرسد. حاتم به پسر کمک می‌کند تا جواب معما را پیدا کند و در راه با خطرات بزرگی روبه‌رو می‌شود اما در آخر به مقصود خود می‌رسد. در داستان حاتم طایی، شاهد وقایع و حوادثی عجیب‌غریب هستیم که در اکثر افسانه‌ها دیده می‌شوند، همچون «وجود دیو، اژدها و خرسی که نیمی انسان است». حاتم طایی از دیرباز در قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی حضوری پررنگ داشته و به بخشش و سخاوت و مهمان‌نوازی مشهور است و در این داستان نیز او شخصی «بخشنده» است که «فداکاری» می‌کند و به «جهت کمک به دیگران» به راه می‌افتد و چاره‌ای برای رفع مشکلات آنان می‌کند.

«شاهزاده ابراهیم» (همان، ج ۱: ۱۴۴)، داستان پادشاهی است که سه پسر به نام جمشید و خورشید و ابراهیم دارد و از آنان می‌خواهد تا برای او دختری را به‌عنوان همسر پیدا کنند. دو پسر بزرگ‌تر در میانه راه منصرف می‌شوند اما ابراهیم با وجود خطرات بسیار وارد شهرهایی می‌شود که در آن‌ها حوادثی عجیب رخ می‌دهد. ابراهیم به اهالی شهر کمک می‌کند تا از شر حوادث راحت شوند و در آخر با چهار دختر زیبا روبه‌رو می‌شود و آنان را همراه خود می‌سازد تا پدر و برادران و خودش بتوانند با آن‌ها ازدواج کنند. ابراهیم به دلیل حسادت برادرانش در چاه اسیر می‌شود اما با یاری پیرمردی موفق می‌شود نزد پدر بازگردد اما هنگامی که پدر قصد مجازات برادران او را می‌کند، ابراهیم می‌خواهد تا آن‌ها را ببخشد و توبه آنان را بپذیرد.

داستان «شاهزاده ابراهیم» سرشار از حوادثی است که مختص افسانه‌هاست. در این داستان با موجوداتی عجیب روبه‌رو هستیم که در نهایت مشخص می‌شود پریزاد هستند و مزاحمتی برای مردم ایجاد می‌کنند مانند «بیرون آوردن مردگان از خاک»، «ظهور دستی که اجازه بردن نمک را به اهالی نمی‌دهد»، «وجود دستی که اجازه استفاده مردم از حمام را نمی‌دهد»، «آتش زدن موی دختر و ظاهر شدن آن»، که البته در این داستان مشخص نمی‌گردد که چهار دختر چگونه باعث به وجود آمدن چنین حوادثی می‌شوند اما این سبب نمی‌شود ویژگی‌های این داستان را در نظر نگرفته، بلکه این ویژگی‌ها را فقط می‌شود در افسانه‌ها مشاهده کرد. قهرمان جوانمرد داستان حاضر شخصیتی به نام «ابراهیم» است که با شجاعت تمام در پی یافتن همسری برای پدر خود وارد چهار شهر می‌شود که اهالی آن هریک به شکلی توسط موجوداتی ناشناخته دچار مشکل شده‌اند. ابراهیم مشکل اهالی را برطرف می‌کند اما هنگامی که آنان می‌خواهند به او پاداشی بدهند، هیچ‌چیزی را طلب نمی‌کند. همچنین ابراهیم به‌رغم اینکه برادرهایش به او کمک نمی‌کنند اما هنگامی که به چهر دختر می‌رسد، برادران خود را نیز فراموش نمی‌کند. همچنین در میدان نبرد هنگامی که به پدر خود می‌رسد به او احترام می‌گذارد و به جای اینکه برادران را به‌خاطر حسادت ورزیدن و انداختن داخل چاه مجازات کند، آنان را می‌بخشد. بنابراین می‌توان گفت شخصیت ابراهیم از ویژگی‌هایی برخوردار است که مختص جوانمردان است؛ همچون: «کمک به دیگران»، «نداشتن چشمداشت و نگرفتن پاداش»، «بخشش» و «احترام به والدین».

«بهرام قهرمان» (همان، ج ۱: ۴۳۰)، پيله‌وری در شهر یزد زندگی می‌کرد و پسری به نام بهرام داشت. پيله‌ور خیلی زود مرد و برای بهرام یک سماور نقره و یک خانه به ارث گذاشت. در طی هجده سال مادر بهرام کوشید تا او را شخصی وظیفه‌شناس تربیت کند. در هجده سالگی بهرام سماور را فروخت تا بتواند به مانند پدر پيله‌وری کند. او هر روز مردمانی را می‌بیند که در حال آزار و اذیت حیوانات هستند و بهرام با پرداخت پول موفق می‌شود جلوی آنان را بگیرد و در آینده همین حیوانات به کمک او می‌آیند و به او انگشتر سلیمان را می‌دهند تا بتواند به واسطه آن به آرزوهای خود برسد. افسانه «بهرام قهرمان» سرشار از عناصر تخیلی است که در سایر افسانه‌ها نیز دیده می‌شود. در این افسانه « صحبت کردن حیوانات»، «رفتن بهرام نزد شاه مارها»، «دستیابی بهرام به انگشتر سلیمان»، «به دست آوردن ثروت از طریق احضار غلام انگشتر» و «یاریگری حیوانات برای یافتن انگشتر که توسط شاهزاده تاتار ربوده شده بود» را می‌توان برخی از عناصر خیالی به حساب آورد که در این داستان یافت می‌شود و از ویژگی‌های مهم افسانه‌ها هستند. قهرمان جوانمرد این داستان شخصیتی به نام بهرام است که بدون هیچ چشمداشتی به حیواناتی که مورد آزار قرار گرفته کمک می‌کند و همین امر سبب می‌شود حیوانات در مواقع ضروری به او یاری رسانند. به طور کلی شخصیت بهرام را می‌توان دارای صفت «بخشنده‌گی» و «یاری‌رسانی به ضعیفان» دانست، که این صفت از خصایص اخلاقی جوانمردان است.

۳-۷. شجاعت

شجاعت و دل‌آوری از ویژگی‌های بارز جوانمردان است. جوانمردان افرادی تنومند و زیرک هستند که برای رویارویی با ظلم و ستم و دشمنان لازم است بسیار شجاع باشند. در واقع شجاعت به آنان نیرو می‌دهد که در مقابل نفس خود ایستادگی کنند و به یاری ضعیفان بشتابند و در این راه حتی جان و مال خویش را به خطر می‌اندازند.

«آلتین توپ» (همان، ج ۱: ۱۲۹)، داستان پسری شجاع و زیرک به نام «آلتین توپ» است. آلتین توپ فرزند مشترک دیو و انسان است که دایی خود را از توطئه پدر و مادرش برای کشتن او آگاه می‌سازد و به همراه یکدیگر به کوهی فرار می‌کنند و در آنجا به چهل دزد برخورد می‌کنند که قصد دزدی از پادشاه را دارند. آلتین توپ با آنان همراه می‌شود، اما هنگامی که به

اتاق پادشاه می‌رسد، او را نمی‌کشد و نگهبانان را باخبر ساخته و سبب می‌شوند دزدان دستگیر شوند و به همین سبب پادشاه تصمیم می‌گیرد دخترانش را به عقد آلتین توپ و دایی‌اش دریاورد. همچنین در این داستان شاهدیم که برادر برای درمان بیماری خواهرش یک بار به باغ انگور دیو سفید می‌رود و بار دیگر به باغ هندوانه دیو سیاه، و باعث می‌شود دیو سیاه و دیو سفید با یکدیگر بجنگند. البته باید اشاره کرد که شوهرخواهر او نیز دیو زردرنگی است. در داستان «آلتین توپ» نیز شاهد شخصیت‌هایی هستیم که دارای ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان هستند. در واقع در این داستان ازسویی برادر را می‌توان یک جوانمرد دانست که برای درمان بیماری خواهر به جنگ دیو سفید و سیاه می‌رود و ازسوی دیگر می‌توان «آلتین توپ» را شخصیتی با ویژگی اخلاقی جوانمردان دانست، زیرا این شخصیت با وجود اینکه مادرش به دست دایی‌اش به قتل می‌رسد، بازهم هنگامی که با او به قلعه کوه می‌روند، به‌شکلی از او مراقبت می‌کند و حتی هنگامی که به اتاق دختران پادشاه وارد می‌شوند، دایی را فراموش نمی‌کند و آرزو می‌کند یکی از این دختران همسر دایی‌اش بشوند. علاوه بر این نکته آلتین توپ شخصیتی شجاع و تنومند دارد زیرا هنگامی که به او می‌گویند عقربی را به دهان پادشاه انداز، عقرب را می‌کشد و چهل دزد را کشته و سربازان را باخبر می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت دو شخصیت دایی و آلتین توپ دارای خصلت جوانمردان است و ویژگی اخلاقی آنان «پهلوانی و تنومندی»، «کمک به دیگران»، «شجاعت» و «زیرکی» می‌باشد.

«نیم‌تنه و خروس» (همان، ج ۱۰: ۴۱۳)، داستان پادشاهی است که به دلیل آنکه بچه‌دار نمی‌شد از درویشی تقاضای کمک کرد. درویش به پادشاه سه عدد سیب داد تا به همسران خود بدهد. دو زن پادشاه سیب را کامل می‌خورند و زن کوچک‌تر نصف سیب را می‌خورد. زنان فرزندان را به دنیا می‌آورند اما یکی از بچه‌ها ناقص است. بعد از چند سال پسرانش را در جست‌وجوی اموالش می‌فرستد، دو پسر پادشاه در میانه راه با آزمون‌هایی مواجه می‌شوند که در حل آنان ناتوان هستند و به همین دلیل توسط دیو دستگیر می‌شوند. نیم‌تنه (پسر کوچک و ناقص پادشاه) از پدرش کسب اجازه می‌کند تا به دنبال برادرهایش برود، او با شجاعت تمام با دیو می‌جنگد و اموال پادشاه را پس می‌گیرد و برادران را نجات می‌دهد. داستان «نیم‌تنه» نیز عناصر و حوادثی خارق‌العاده همچون «خوردن سیب و بچه‌دار شدن» و «دیوی که اموال را

پنهان ساخته» دارد که در افسانه‌ها قابل مشاهده است. قهرمان جوانمرد این داستان شخصیتی به نام «نیم‌تنه» است که به‌رغم معلولیت به یاری برادران می‌شتابد و با هوش و ذکاوت موفق می‌شود آزمون‌ها را پشت‌سر بگذارد و به قلعه دیو برسد و شیشه عمر او را بشکند و اموال پدرش را به دست آورد و برادران را نجات دهد و به خانه بازگرداند. در واقع در داستان «نیم‌تنه» شاهد هستیم این شخصیت فردی «دلیر»، «شجاع»، «باهوش و زیرک» و «بخشنده» است که این ویژگی‌های اخلاقی در جوانمردان قابل مشاهده است.

همچنین باید افزود در مجموعه ۱۹ جلدی فرهنگ افسانه‌های مردم ایران داستان‌هایی شبیه به «نیم‌تنه و خروس» وجود دارد که فقط در برخی جزئیات و نام قهرمان با یکدیگر تفاوت دارند اما محتوا و کلیت داستان کاملاً مطابق هم هستند. یکی از این داستان‌ها حکایت «آلبرزنگی» (همان، ج ۱: ۱۲۴) است که با توجه به وجود مؤلفه‌هایی چون خوردن سیب و بچه‌دار شدن، خوردن آب کل رودخانه، خوردن تمام انگورها و برگ‌های آنان، شرط عجیب دختر پادشاه، رفتن به چاه و وارد شدن به سرزمینی دیگر و وجود درخت و سیمرغ در آنجا، می‌توان آن را افسانه به حساب آورد. قهرمان حکایت «آلبرزنگی» پسری معلول است که با وجود معلولیت هنگامی که متوجه می‌شود برادرانش به قصر بازنگشته‌اند، در جست‌وجوی آنان به راه می‌افتد و در راه سه آزمونی را که شش برادرش موفق به انجام آن نشده بودند، انجام داده و موفق به اجرای شرط دختر آلبرزنگی و کشتن او و پدرش می‌شود و برادران را نجات می‌دهد. وی همچنین هنگامی که توسط برادران به چاه می‌افتد، تخم‌های سیمرغ را از خطر نابودی نجات می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت پسر معلول پادشاه دارای ویژگی‌های اخلاقی جوانمردان است و با «شجاعت» توانست برادران را نجات دهد و دستور پدرش را اجرا کند و حتی هنگامی که خود در خطر بود، با مهربانی پرنده‌ای را نجات دهد.

«پیرمرد خارکن و چهل پسرش» (همان، ج ۲: ۳۷۷)؛ پیرمرد خارکنی بود که صاحب فرزند نشده بود. روزی در راه درویشی را دید و او به خارکن سیبی داد که نصفش را خودش بخورد و نصف دیگر را همسرش. زن خارکن کیسه‌ای زایید که چهل پسر از آن بیرون آمد و به گوش حاکم رسید که پیرمردی چهل پسر رشید و دلاور دارد و آن‌ها را فراخواند و دستور داد که آن‌ها به جنگ با چهل دیو بروند که او را اذیت می‌کردند. پیرمرد نپذیرفت اما علی پسر بزرگ

قبول کرد و آن‌ها به قلعه دیوان رفتند و ۳۹ دیو را کشتند اما یک دیو زنده ماند و علی را گرفت و از او خواست دختر پادشاه چین را برای او بیاورد تا آزادش کند. علی در میانه راه به مورچه‌ها کمک می‌کند و مورچه‌ها نیز به او کمک می‌کنند تا شرط پادشاه چین را انجام دهد و به این ترتیب پادشاه دخترش را به علی می‌دهد و علی به همراه دختر به شیشه عمر دیو دست می‌یابد و موفق می‌شوند او را بکشند و فرار کنند. علی بعد از آزادی، نقشه‌ای می‌کشد و برادرانش را نیز از زندان آزاد می‌سازد و به کمک آن‌ها علیه حاکم برمی‌آشوبد و حاکم را می‌کشد. و مردم علی را به عنوان حاکم انتخاب می‌کنند و علی با دختر پادشاه چین ازدواج می‌کند. در داستان «پیرمرد خارکن و چهل پسرش» شاهد حوادثی چون «رفتن به جنگ چهل دیو»، «یاری‌رسانی ملکه مورچه‌ها به انسان»، «به آسمان رفتن دیو» و «شکستن شیشه عمر دیو» هستیم که از جمله ویژگی‌هایی است که در افسانه‌ها دیده می‌شود. همچنین این داستان نیز شخصیتی قهرمان و دلاور و جوانمرد به نام «علی» دارد که هنگامی که برادران را در خطر می‌بیند به یاری آن‌ها می‌رود و دختر چینی را که توسط دیو اسیر شده، نجات می‌دهد و به این صورت دلاوری و شجاعت خود را ثابت می‌کند و در آخر توسط مردم به عنوان حاکم انتخاب می‌شود.

«برگ ظلمات» (همان، ج ۲: ۳۴۹)، داستان پسر کوچک پادشاهی است که به دنبال برگ ظلمات به راه می‌افتد تا به وسیله آن بتواند بینایی پدرش را برگرداند. پسر در میانه راه با سه دیو روبه‌رو می‌شود و با آن‌ها می‌جنگد و دیوها که شکست خورده بودند غلام او می‌شوند. سه دیو هر کدام تار مویی به پسر می‌دهند تا در مواقع ضروری به کمک او بیایند. پسر برگ ظلمات را پیدا می‌کند و در راه بازگشت برادرانش به او حسادت می‌کنند و او را به چاه می‌اندازند اما پسر با کمک دیوها می‌تواند دوباره نزد پدر بازگردد و برادران نیز بابت کار خود مجازات می‌شوند. در این داستان نیز عناصری وجود دارند که در افسانه‌ها قابل مشاهده‌اند همچون: «جنگیدن با دیو»، «درمان چشم‌های نابینا با برگ» و «یاری‌رسانی دیوها». در این داستان برادر کوچک‌تر شخصیتی است که برای شفا یافتن پدرش به جست‌وجوی برگ ظلمات می‌رود و با شجاعت و دلاوری می‌تواند برگ را به دست آورد و بینایی پادشاه را بازگرداند. بنابراین در این داستان پسر کوچک دارای ویژگی اخلاقی چون «شجاعت»، «دلاوری» و «کمک به دیگران» است.

همچنین می‌توان به داستان‌های چون «ملک محمد پهلوان»، «قیزلارخانی» و «سکینه آوردی» اشاره کرد که قهرمان داستان دارای شجاعت است.

۳-۸. طمع نداشتن به مال دنیا

از دیگر صفاتی که در اکثر جوانمردان دیده می‌شود، راضی بودن به داشته‌ها و شکرگذاری بابت آنان است. در واقع جوانمردان افرادی هستند که به مال دنیا وابسته نبوده و به جمع‌آوری آن طمع‌ی ندارند.

«دانا و نادان» (درویشیان و مهابادی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۶۵)، دو نفر به نام‌های ابوالخیر و ابوالشر در نانوائی کار می‌کردند. ابوالخیر مورد ظلم و ستم ابوالشر قرار می‌گیرد. ابوالخیر راهش را از ابوالشر جدا می‌سازد و در باغی استراحت می‌کند و از صحبت‌های دو کبوتر متوجه می‌شود که کفاش مهربان و ناینایی زیر دکانش چند کوزه طلا دارد اما فقیر است، شهری وجود دارد که بهای آب بسیار گران است درحالی‌که در زیر زمین آن آب روان است، یا دختر پادشاهی که مریض است و درمانش گوشت سگ شکاری پادشاه است؛ ابوالخیر که این‌ها را شنید راه افتاد و ابتدا به کفاشی رفت و کوزه‌ها را به پیرمرد نشان داد و او بسیار خوشحال شد و خواست که با او تقسیم کند اما ابوالخیر نپذیرفت، سپس به شهری رسید که آب گران بود و به سلطان آن سرزمین از نهرهایی که در زیر زمین شهر روان است گفت و سلطان به او مقداری پول داد تا به مسیرش ادامه بدهد. ابوالخیر به شهر پادشاه با دختر بیمار رسید و راه‌حل را به او گفت، پادشاه هم همان کار را انجام داد و دختر او شفا پیدا کرد و پادشاه دخترش را به عقد او درآورد و گفت که چه می‌خواهی؟ ابوالخیر پاسخ داد تنها نانوائی می‌خواهم که نان مجانی به فقرا بدهد. در داستان «دانا و نادان» شاهد ویژگی‌هایی هستیم که در افسانه‌ها یافت می‌شود همچون: «حضور دیوها»، «گنج پنهان»، «درمان دختر پادشاه با گوشت سگ شکاری» و «یاری رساندن به انسان به کمک پرندگان». قهرمان جوانمرد داستان حاضر شخصیتی به نام «ابوالخیر» است که مورد ظلم «ابوالشر» قرار می‌گیرد اما به دلیل نیت پاکش و «کمک‌رسانی به دیگران» و توانایی در درمان بیماری دختر پادشاه مورد توجه پادشاه قرار می‌گیرد و با وجود اینکه پادشاه و افراد دیگر قصد می‌کنند به او پاداشی بدهند، قبول نمی‌کند و آنچه را که می‌پذیرد در راه کمک به فقرا خرج می‌نماید. بنابراین این شخصیت دارای خصلت‌هایی چون «کمک به دیگران»، «طمع

نداشتن به مال و ثروت» و «خرج کردن مال در راه فقرا» می‌باشد که از جمله خصلت‌های جوانمردان است.

۴. نتیجه‌گیری

جوانمردی مفهومی است با ریشه تاریخی و اجتماعی گروه‌هایی از مردان که غالباً در شرایط خاص تاریخی، شهری یا صنفی که با مرام‌ها، آداب و فضایل اخلاقی مانند وفای به عهد، عفو و بخشش، صبر و بردباری، مهمان‌نوازی، عدالت، دستگیری از ضعیفان، شجاعت و طمع نداشتن به مال دنیا شناخته می‌شدند. این افراد واقعی و غالباً دارای هویت اجتماعی و گاه صنفی بوده‌اند. آن‌ها براساس فتوت‌نامه‌ها یا ضوابط اخلاقی مشترک، از خود انتظار رفتار خاص داشتند. بنابراین جوانمرد اصطلاحی است با پشتوانه تاریخی، اجتماعی و معنوی که بخشی از فرهنگ مادی و معنوی جامعه است.

ادبیات عامیانه ایران شامل افسانه‌هایی است که داستان شخصیت‌هایی را روایت می‌کند که متصف به برخی از صفات جوانمردان می‌باشد. با بررسی و تحلیل ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی مجموعه ۱۹ جلدی فرهنگ افسانه‌های ایران و استخراج افسانه‌هایی با مضامین مورد نظر می‌توان گفت شخصیت این افسانه‌ها اغلب افرادی شجاع، دلیر، عادل، بخشنده، وفادار و فداکارند که به‌مانند پهلوانان به یاری ضعیفان می‌شتابند و بدون هیچ چشمداشت و توقعی از ضعیفان دستگیری می‌کنند و دغدغه برپایی عدالت را دارند. البته تمامی صفات در یک شخصیت دیده نمی‌شد و ممکن بود تنها یک یا چند صفت در قهرمان داستان دیده شود. از این رو، قهرمانان تحلیل‌شده را می‌توان به‌مثابه نماد اخلاقی در نظر گرفت.

باید به این نکته توجه کرد که قهرمانان افسانه‌ای را نباید معادل جوانمردان تاریخی بدانیم، زیرا افسانه با تاریخ واقعی متفاوت است. بنابراین تحلیل اخلاقی، تاریخی و فرهنگی بین قهرمانان افسانه‌ای و تاریخی می‌تواند مخدوش شود. دلیل آن نیز ممکن است جابه‌جا شدن ارزش‌ها، آیین‌ها، رفتارها و ساختارهای اجتماعی که در زندگی واقعاً وجود داشته‌اند، با ارزش‌ها و رفتارهای نمادین در افسانه‌ها باشند.

داستان‌های بررسی‌شده اغلب دارای نشانه‌هایی چون وجود موجودات افسانه‌ای به‌مانند دیو، اژدها و سیمرغ، حوادث خارق‌العاده همچون ظاهر شدن و غیب شدن شخصی، تبدیل

انسان به حیوان، حرف زدن و یاری رسانی حیوان به انسان، وجود پری و پریزاد و گنج‌های گران‌بها و... است که از عناصری است که در اغلب افسانه‌ها دیده می‌شود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند پژوهش‌های آینده به‌صورت جامع‌تر، علاوه بر منابع آرشیوی، از منابع میدانی و تاریخی مانند مطالعه اسناد فتوت‌نامه‌ها، منابع تاریخ‌نگاری، گزارش‌های محلی و ثبت روایت‌های شفاهی از مردم نیز بهره بگیرند. بنابراین تفکیکی روشن بین تاریخ، فولکلور و ارزش‌شناسی اخلاقی امکان‌پذیر است.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۲۰۵ق). لسان العرب. قم: ادبیات حوزه.
۲. اربابی، علی. (۱۳۹۰). آیین پهلوانی، جوانمردی و عیاری. تهران: زوآر.
۳. بخشی، مجتبی. (۱۳۹۲). بررسی آموزه‌های فتوت و جوانمردی در کلیات سعدی. پایان‌نامه، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۴. پل سارتر، ژان. (۱۳۰۵). ادبیات چیست؟. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: نیلوفر.
۵. تنوخی، قاضی ابوعلی محسن. (۱۳۹۹). فرج بعد از شدت. ترجمه حسین بن اسعد دهستانی. تهران: نیلوفر.
۶. جوان‌آراسته، امیر. (۱۳۹۰). فتوت اسلامی و جایگاه اخلاق در حرفه‌ورزی. پژوهشنامه اخلاق، (۱۴)، ۴، ۳۷-۵۶.
۷. حسینی سرخنی، سیده نجمه، ایرانزاده، نعمت‌اله، و نباتی، فرشته. (۱۴۰۳). نقد کتاب آیین جوانمردی اثر هانری کربن براساس مؤلفه‌های تفکر انتقادی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۱۰۰، ۲۱۵-۲۳۴. <http://44444444bahareadab.2024.17.7457>.
۸. درویشیان، علی اشرف، و خندان (مه‌آبادی)، رضا. (۱۳۸۷). فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، ج ۱ تا ۱۹. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
۹. ذوالفقاری، حسن. (۱۴۰۲). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: نشر چشمه.

۱۰. رزاقی، محمدابراهیم، گودرزی، محمود، و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۹). ارائه مدل صفات اخلاقی در آیین جوانمردی ایران. *مدیریت ورزشی*، (۱۲) ۳، ۶۴۳-۶۶۴.
۱۱. روانجو، احد. (۱۴۰۳). پژوهشی در آموزش سنتی هنر در آیین فتوت و فتوت‌نامه‌ها، *رهپویه حکمت هنر*، ۳ (۲، پیاپی ۵)، ۵۳-۶۶.
۱۲. ریاض، محمد، جریزه‌دار، عبدالکریم، و همدانی، سید علی. (۱۳۸۲). *فتوت‌نامه: تاریخ، آیین، آداب و رسوم به انضمام رساله فتوتیه میر سید علی همدانی*. تهران: اساطیر.
۱۳. زرینی، علی، سمیع‌زاده، رضا، و شفیع صفاری، محمد. (۱۳۹۷). *جوانمردی، عیاری و فتوت در قبل و بعد از اسلام*. پژوهشنامه ادیان، (۲۳) ۴۵، ۱۲-۷۲.
۱۴. سجادی، سید جعفر. (۱۴۰۱). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. تهران: طهوری.
۱۵. شهیدی، سید جعفر، معین، محمد، دهخدا، علی‌اکبر، و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. صدقی، حامد، صدرقاینی، سید ابوالفضل، و زارع درنیانی، عیسی. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی آیین جوانمردی در ادب فارسی و عربی. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، (۲) ۱، ۷۱-۹۱.
۱۷. صراف، مرتضی. (۱۳۷۰). *رسایل جوانمردان*. تهران: انتشارات معین.
۱۸. عروج‌نیا، پروانه. (۱۳۹۱). ابوالحسن خرقانی و آیین جوانمردی. *تاریخ و تمدن اسلامی*، (۱۶) ۸، ۱۹-۴۴.
۱۹. عفیفی، رحیم. (۱۳۹۹). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*. تهران: توس.
۲۰. قانونی، حمیدرضا و غلامحسینی، پروین. (۱۳۹۶). ادبیات عامه (ضرب‌المثل‌ها و کنایات) و بازتاب آن در رمان‌های «جلال آل احمد». *مطالعات زبانی و بلاغی*، شماره ۱۵، ۱۱۷-۱۴۰.
۲۱. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم هوازن. (۱۳۷۹). *رساله قشیریه*. تصحیح و استدراکات بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات زوار.
۲۲. کربن، هانری. (۱۳۸۳). *آیین جوانمردی*. ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
۲۳. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۴). *آب و آیین*. تبریز: آیدین.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۸). *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۵. مجوزی، محمد، و شاهگلی، سمیه. (۱۳۹۸). بررسی مضامین عیاری، جوانمردی و تعلیمی در رمان شمس و طغرا. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، (۱۱) ۴۱، ۱۳۱-۱۶۰.
۲۶. مدنی، امیرحسین. (۱۴۰۰). تأثیر فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در نشر و گسترش «آیین جوانمردی»، مطالعات ایرانی، شماره ۴۰، ۳۴۵-۳۸۵. <http://33333333is.2021.16021.2034>
۲۷. نراقی، ملا احمد. (۱۴۰۰). معراج السعاده. تهران: بارش.
۲۸. همایونی، صادق. (۱۳۴۶). یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه. فارس: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
۲۹. واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین. (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

